

فَعْقِدْهُ

ممنوع

محمد نظری کندشینی

# عقدۀ دیان

( دختری که می خواست پسر باشد ،  
عقدۀ ای که شنا طره زن بودن ، ماهر بودن ،  
رفتارهای زلفه و وقایف زلفه است )

ممنوع

# عقدۀ گوشه گیری

( علب نشینی در برابر مشکلات زندگی ،  
کمک طلبی و پناه جویی )

ممنوع

# عقدۀ خوشیفتگی

( علاقه مفراط به خود )

ممنوع

# عقدۀ قایل

( عقدۀ حسادت بر اداری است که به صورت  
اساس رفتارهای طرد ، منع و پرخاش نسبت به  
هر رقیب واقعی یا فرضی است )

ممنوع

# عقدۀ خودنمایی

( میل مفراط به دیدن و دیده شدن ،  
شناخت و دانستن و در جریان اسرار فرار  
گرفتن )

ممنوع

# عقدۀ لوهنگرین

( سعی در تأمین سعادت دیگران و خانواده خود ،  
سخت چشم پوشی از لغات زدن برای خویش )

ممنوع

# عقدۀ نجات

( به پیش نیار به بر عهدۀ خود گرفتن خطاها  
یا هم و شو سایرین و متنبه ساختن خود بدان  
سبب ، با امید به میرا ساختن آنها و نجات آنان  
از فاجعه و عجزات )

ممنوع

# عقدۀ یهوه

( مبنی بر اعتقاد به نیروی خود نسبت به دیگر  
مخلوقات و کرامت به خود را خدا دانستن )

ممنوع

# عقدۀ ژونا

( ترس از رسیدن به  
خودشکوفایی )

ممنوع

# عقدۀ خیانت

( کرامت به جلب قدرت شخصی نفرستادن و پیروی از  
وی به کلمات نیار به حدایت شدن و سپس جستجوی  
فره نفرستادن جدیدی که بتواند به کمک وی فرد  
توانای پیشین را از پای بر آورد )

ممنوع

# عقدۀ گرونو

( پداری که به فرزندانش ستم می کند ،  
یا تشخیص خود آنها را خرد می کند  
و از استقلال طلبی فرزندان خود جلوگیری می کند  
- پسران آزاد گرد )

ممنوع

# عقدۀ پلی کرات

( دست زدن به هر کاری بغافلر موافقت  
و سپس شکایتی که موافقت کاذباً تأمین شده  
و همه چیز را باطل کردن ، شکستن و ترک کردن ،  
اما سپس همه نماینده نگار می شود )

ممنوع

# عقدۀ اختاپوس

( چنین عقدۀ ای به فردی دست می دهد که  
خود را با اکثر به انتخاب همه کارها ،  
بودی خود همه جا در آن واحد  
و بر عهدۀ گرفتن همه کارها می داند  
کسی که تا زمانی محدودی را بر عهدۀ می گیرد  
و کاری را برای انجام دادن بر دیگران باقی می گذارد )

ممنوع

# عقدۀ ژوناس

( کرامت به در امان نگه داشتن خویش است  
و برگشت خیالی به داخل شکم ماهر  
و پناه بردن به یک جاسی  
به محض آن که مشکلات اعلام خطر میکنند )

ممنوع

# عقدۀ آمپدوکل

( اینکه آتش بزرگترین پاک کننده است  
و به آتش انداختن خود و خود سوزی  
باعث تغییر مدار دنیایی می شود )

ممنوع

# عقدۀ ناامنی

( بی اطمینانی از روی نگرانی ، فقدان اعتماد  
به نفس ، دلواپس فرود و آینده بودن )

ممنوع

# عقدۀ ایکاروس

( فردی که هدفی زیاده از حدنا لا دارد و  
روباهای او به وسیله شکست از هم می باشد )

ممنوع

# عقدۀ اطلس

( تحمل تحمیلی حمل بار سنگین و گرفتن  
مسئولیت شریاقت و الزامات دشوار که  
باعث خرد شدن فرد می شود )

ممنوع

# عقدۀ ژوکاست

( زنی که با محبت احاطه گر خویش، نمایان  
مردانه پسر خود را خاموش می سازند )

ممنوع

# عقدۀ پرومته

( با عقدۀ ادیب در عرصه حیات معنی ، عزت از نمایان  
دانشن قدرتی نموده استخوان خویش ، بی بودن به بر و  
فردت آتین و محبوب ساختن آنان ، نفس قبول شوخ  
براشکستن خدمت انجام آهست )

ممنوع

# عقدۀ ادیب

( سربچه ای که آرزوی ازدواج با مادرش را دارد )

ممنوع

# عقدۀ الکترا

( دختر بچه ای که آرزوی ازدواج با پدرش را دارد )

ممنوع

# عقدۀ طردشدگی

( بحرکت عاطفی - احساس فراموش شدن و مورد توجه  
کسی نبودن ، هیچکس مرا دوست ندارد )

ممنوع

# عقدۀ احساس گناه

ممنوع

# عقدۀ احساس حقارت

ممنوع

# عقدہ ادیپ

(پسربچہ ای کہ آرزوی ازدواج با مادرش را دارد)

ممنوع

# عقدہ الکترا

( دختر بچہ ای کہ آرزوی ازدواج با پدرش را دارد )

ممنوع

# عقدۀ طردشدگی

(محرومیت عاطفی = احساس فراموش شدن و مورد توجه

کسی نبودن ، هیچکس مرا دوست ندارد)

ممنوع

عَقْدُهُ

احساسی گناہ

ممنوع

عقدہ

احساسی حقارت

ممنوع

# عقدۀ ناامنی

(بی اطمینانی از روی نگرانی ، فقدان اعتماد  
به نفس ، دلواپسی فردا و آینده بودن )

ممنوع



# عقدۀ ایکاروسی

( فردی که هدفی زیاده از حدّ بالا دارد و  
روپاهای او به وسیله شکست از هم می باشد )

ممنوع

# عقدہ اطلسی

(تحمّل تحمیلی حمل بار سنگین و گرفتن  
مسئولیت شرایط و الزامات دشوار که  
باعث خرد شدن فرد می شود)

ممنوع

# عقدۀ زو کاست

( زنی که با محبت احاطه گر خویش، تمایلات  
مردانۀ پسرِ خود را خاموش می سازند )

ممنوع

# عقدۀ پرومته

( یا عقدۀ اُدیپ در عرصه حیات معنوی ، عبارت از تمایل به داشتن قدرتی مانند استادان خویش ، پی بردن به رمز و قدرت آنان و مجذوب ساختن آنان ، ضمن قبول خطر برانگیختن خشم و انتقام آنهاست )

## ممنوع

# عقدہ گرونو

( پدري كه به فرزندانش ستم مي كند ،  
با شخصيت خود آنها را خرد مي كند  
واز استقلال طلبي فرزندان خود جلوگیری مي كند  
« پدران آزارگر » )

ممنوع

# عقدہ پُلی کرات

( دست زدن به هر کاری بخاطر موفقیت  
و سپس هنگامی که موفقیت کاملاً تضمین شده  
و همه چیز را باطل کردن ، شکستن و ترک کردن ،  
اما سپس همه نمایشنامه تکرار می شود )

## ممنوع

# عقدۀ اُختاپوسی

( چنین عقده ای به فردی دست می دهد که  
خود را ناگزیر به انجام همه کارها ،  
بودن در همه جا در آن واحد  
و بر عهده گرفتن همه کارها می داند .  
کسی که تلاشهای متعددی را بر عهده می گیرد  
و کاری را برای انجام دادن بردیگران باقی نمیگذارد )

## ممنوع

# عقدۀ زوناسی

( گرایش به در امان نگه داشتن خویش است  
و برگشت خیالی به داخل شکم مادر  
و پناه بردن به یک حامی  
به محض آن که مشکلات اعلام خطر میکنند )

## ممنوع



# عقدہ آمپدو کل

( اینکہ آتش بزرگترین پاک کننده است  
و به آتش انداختن خود و «خود سوزی»  
باعث تغییر مدار دنیایی می شود )

ممنوع

# عقدۀ لوہنگرین

( سعی در تأمین سعادت دیگران و خانواده خود ،  
ضمن چشم پوشی از لذات زندگی برای خویشان )

ممنوع

# عقدۀ نجات

( به معنی نیاز به بر عهدهٔ خود گرفتن خطاها  
یا هم و غم سایرین و متهم ساختن خود بدان  
سبب ، با امید به مبرا ساختن آنها و نجات آنان  
از فاجعه و مجازات )

## ممنوع

# عَقْدَةُ يَهُوَه

( مبنی بر اعتقاد به برتری خود نسبت به دیگر  
مخلوقات و گرایش به خود را خدا دانستن )

ممنوع

# عقدہ زونا

( ترس از رسیدن به  
خودشکوفایی )

ممنوع

# عقدۀ خیانت

( گرایش به جلب قدرت شخصی قدرتمند و پیروی از وی به لحاظ نیاز به حمایت شدن و سپس جستجوی فرد قدرتمند جدیدی که بتواند به کمک وی فرد توانای پیشین را از پای در آورد )

ممنوع

# عقدۀ دیان

( دختری که می خواست پسر باشد ،

عقدۀ ای که منشأ طرد زن بودن ، مادر بودن ،  
رفتارهای زنانه و وظایف زنانه است )

ممنوع

# عقدۀ گوشه گیری

( عقب نشینی در برابر مشکلات زندگی ،  
کمک طلبی و پناه جویی )

ممنوع



**عقدہ خوشیفتگی**

**( علاقہ مفرط بہ خود )**

**ممنوع**

# عقدۀ قاپیل

( عقدۀ حسادت پر اداری است که به صورت اساس رفتارهای طرد، منع و پرخاش نسبت به هر رقیب واقعی یا فرضی است )

ممنوع

# عقدۀ خودنمایی

( میل مفرط به دیدن و دیده شدن ،  
شناخت و دانستن و در جریان اسرار قرار  
گرفتن )

ممنوع

آنچه یک معلول ( محمد نظری گندشمین ) می اندیشد

محمد نظری گندشمین

کارشناس ارشد روانشناسی

کارشناس امور بهزیستی

09143542328

M.N.G

Nazaribest@yahoo.com

nazaribest.samenblog.com

<http://ketabesabz.com/authors/1505/محمد-نظری-گندشمین>

